

باشعراهای مهري ماهوتي

شيمو مي ره يه جاي خوب بازي کنه با سنگ و چوب



اسکیتو می بندده به پاش
خم می شه روی زانوهایش
ملخ می شه جست می زنه
برای خودش دست می زنه

